

## تبیین مفهوم «صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» در قرآن

سیده زینب رضوی کیا (بامزد)\*

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

راضیه اخلاقی\*\*

کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۸/۱۷)

### چکیده

«صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» یکی از پرکاربردترین مفاهیم قرآنی است که به شدت در قرآن نهی شده است و شناخت تمام جوانب آن نیز منجر به بازشناسی بسیاری از معارف اسلامی می‌شود و به رغم جایگاه تعیین کننده‌ای که در معارف قرآنی و اخلاقی و یا حتی ارتباطی که با مباحث فقهی و کلامی دارد، چنان که باید و شاید، بازشناخته نشده است. «صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» به معنای «اعراض از راه خدا و منع و جلوگیری از راه خدا» به کار رفته است و شامل گفتارها، رفتارها و کردارهایی است که باعث بازداشتن مردم از راه خدا می‌شود. از مصادیق «صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»، ظلم است. در آیات قرآن نیز آنان که «صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» می‌کنند، ظالم دانسته شده‌اند. بازداشتن از راه خدا آثار و پیامدهایی دارد. پیامدهای دنیوی آن، مکافات اعمال این افراد است که در همین دنیا، گریبان بازدارندگان از راه خدا را می‌گیرد و پیامدهای آخری آن عبارتند از انواع عذاب‌های الهی و سزا و کیفر نهایی این افراد.

واژگان کلیدی: سبیل، سبیل الله، صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ، قرآن.

---

\* E-mail: zeinab.razavi65@gmail.com

\*\* E-mail: razi\_akhlaghi@yahoo.com (نویسنده مسئول)

## مقدمه

«صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» یکی از پرکاربردترین مفاهیم قرآنی است که به شدت در قرآن نهی شده است و شناخت تمام جوانب آن نیز منجر به بازشناسی بسیاری از معارف اسلامی می شود، اما از آنجا که این مفهوم در ارتباط تنگاتنگ با مفهوم «سَبِيلِ اللَّهِ» است، شناخت دقیق و کامل آن نیز بستگی به شناخت سَبِيلِ اللَّهِ دارد.

«سَبِيلِ اللَّهِ» (راه خدا) یکی از مفردات قرآنی است که از دیرباز واضح تلقی شده است و به همین جهت توضیحات علمای اسلامی اعم از محدثان و مفسران درباره «سَبِيلِ اللَّهِ» گذرا، موردی و پراکنده است و معمولاً به تعریف جامع و مانعی از «سَبِيلِ اللَّهِ» و بازشناسی مفهوم و مصادیق آن منتهی نشده است و در نتیجه ترکیبات دیگر قرآنی مانند: «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» نیز به رغم جایگاه تعیین کننده ای که در معارف قرآنی و اخلاقی و حتی ارتباطی که با مباحث فقهی و کلامی داشته است، چنان که باید و شاید بازشناخته نشده اند. مسئله این تحقیق، استخراج و ارائه مفهوم «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» و مصادیق آن از متن قرآن کریم، پیگیری تفسیر آن و نیز تبیین گفته ها و ناگفته های مرتبط با آن به عنوان امری است که ارتباط مستقیم با تمام رفتارهای زندگی هر مسلمانی دارد.

## ۱. نوآوری، اهداف و کاربردها

کارهایی در زمینه موضوع پژوهش حاضر انجام شده است که بیشتر به بررسی واژه «سَبِيلِ اللَّهِ» پرداخته اند. یکی از آن ها درباره «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» انجام شده که بیشتر به جنبه فقهی و اجتماعی به موضوع پرداخته، ولی پژوهش حاضر درصدد است با روش توصیفی و تحلیلی با نگاهی معناشناسانه واژه «سَبِيلِ اللَّهِ» و «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» را واکاوی کند و با بررسی روابط همنشینی، روابط جانشینی و سیاق به مؤلفه های معنایی این مفهوم دست یابد و بدین طریق، بتواند تصویری از این مفهوم و جایگاه آن در نظام معنایی قرآن کریم ارائه

نماید و بدین ترتیب، هر دو مفهوم «سبیل الله» و «صدّ عن سبیل» در کنار هم بررسی می‌شود.

- روشن شدن مفهوم و معنای «صدّ عن سبیل الله» که در زمینه‌های مختلف اندیشه و عمل مسلمانان مطرح است.

- بازشناسی مصادیق «صدّ عن سبیل الله» و در نتیجه، پیشگیری از اشتباه در عملکرد و موضع‌گیری.

## ۲. معنای لغوی و اصطلاحی «سبیل» و «سبیل الله»

### ۲-۱. معنای لغوی

کلمه «سبیل» به معنای «طریق و راه» و به صورت مذکر و مؤنث آمده که جمع آن «سبیل» است (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۷: ۲۶۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.، ج ۱۱: ۳۱۹-۳۲۰؛ قرشی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۲۲۳).

«سبیل الله» راه هدایت است که به سوی آن فراخوانده می‌شود: ﴿وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ﴾ (النحل/۹). ثعلب می‌گوید: «یعنی بر خداست که سبیل و راه را برای مسلمین مشخص کند» (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.، ج ۱۱: ۳۲۰). برخی انفاق فی سبیل الله را انفاق در جهاد و کلّ چیزهایی می‌دانند که خداوند از کارهای خیر به آنها امر کرده‌اس. بنابراین، سبیل الله عام است و بر هر عمل خالصی که به واسطه آن، راه تقرّب به خدا با انجام واجبات و انواع مستحبات طی می‌شود، اطلاق می‌شود و وقتی مطلق آورده شود، غالباً جهاد مراد است (ر.ک؛ طریحی، ۱۴۱۵ ق.، ج ۱۱: ۳۱۹-۳۲۰).

## ۲-۲. معنای اصطلاحی «سَبِيلُ اللَّهِ» و «سَبِيلُ اللَّهِ» (در تفاسیر و روایات)

### ۲-۲-۱. دین الهی

بیشتر مفسران «سَبِيلُ اللَّهِ» را به معنای «دین خدا» دانسته‌اند (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۲: ۳۲۱ و زمخشری، ۱۴۰۷ ق.، ج ۱: ۴۵۶) و این مفهوم را با عبارات‌های مختلفی بیان کرده‌اند؛ مثلاً: «منظور از سَبِيلُ، راه خداست که عبارت است از دین توحید» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۱۵۱) و «منظور از "سَبِيلُ" دینی است که خداوند به سوی آن فرامی‌خواند؛ از توحید و عدل و عبادت و عمل به شرع» (طوسی، ۱۴۱۸ ق.، ج ۶: ۲۰۵).

### ۲-۲-۲. اسلام، دین خداپسند

مهم‌ترین و بیشترین معنایی که برای «سَبِيلُ اللَّهِ» در تفاسیر آمده، آیین مقدس اسلام است (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۹: ۱۶۳؛ کاشانی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۶۷ و همان، ج ۲: ۲۸۰؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۵۰؛ همان، ج ۱۴: ۵۱۷؛ طبری، ۱۴۱۲ ق.، ج ۶: ۲۳، ۲۴ و ۳۰؛ زمخشری، ۱۴۰۷ ق.، ج ۱: ۳۹۲؛ همان، ج ۲: ۸۰؛ بغوی، ۱۴۲۰ ق.، ج ۱: ۲۷۶؛ ابن عطیة اندلسی، ۱۴۲۲ ق.، ج ۱: ۴۸۱؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۳: ۲۳۶؛ همان، ج ۶: ۱۱۸ و زحیلی، ۱۴۱۸ ق.، ج ۶: ۳۹).

### ۲-۲-۳. راه راست و حق و فطرت

«سَبِيلُ، راه راست است که همان راه حق می‌باشد» (کاشانی، ۱۳۶۶، ج ۳: ۳۷ و النساء/ ۴۴) و به معنای طریق حق است (زمخشری، ۱۴۰۷ ق.، ج ۴: ۱۵۳؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۲۴۲ و الغافر/ ۷). علامه طباطبائی در تفسیر آیه ﴿وَجَدْتُنَّهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ ..... فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾<sup>۱</sup> (النمل/ ۲۴) آورده‌است: «سَبِيلُ را مطلق آورده، نگفته است "سَبِيلُ اللَّهِ"، تا بفهماند برای انسان برحسب فطرتش، تنها راه یکی است و همین‌طور برای هر چیز دیگر برحسب خلقت عمومی آن و آن راه خداست و راه دیگری نیست تا احتیاج باشد کلمه خدا را هم برای تعیین راه بیاورد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۵: ۶).

## ۲-۲-۴. تقوا

«راه خدا عبارت است از تقوا و مؤمنان کسانی هستند که به سوی این راه دعوت شده‌اند» (همان، ج ۵: ۱۳۱ و الأنعام/ ۱۵۳).

## ۲-۲-۵. ذکر

بعضی از مفسران در برخی آیات قرآن کریم «سبیل الله» را به معنای قرآن دانسته‌اند: «سبیل الله، قرائت و عمل به احکام قرآن و ذکر پروردگار است» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۹: ۱۶۳ و لقمان/ ۶). علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۶ سوره لقمان می‌فرماید: «مقتضای سیاق این است که مراد از سبیل الله، قرآن و معارف حق از اعتقادات، دستورالعمل و داستان‌های انبیاء و ائم گذشته بوده باشد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۱۳).

## ۲-۲-۶. طاعت خدا

در تفاسیر، «سبیل الله» به «طاعت خدا» نیز معنا شده است (طوسی، ۱۴۱۸ق.، ج ۳: ۹۰ و ۲۶۰ و طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۴: ۳۱۹؛ کاشانی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۶۷؛ همان، ج ۲: ۴۰۹؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۲۰۱؛ همان، ج ۲: ۲۱۸ و ۲۳۰؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۱۰۸ و ۳۳۸؛ طبری، ۱۴۱۲ق.، ج ۳: ۱۲۹؛ همان، ج ۵: ۲۴، ۳۰ و ۱۰۷؛ بغوی، ۱۴۲۰ق.، ج ۱: ۲۳۶ و ۳۵۹؛ ابن عطیة اندلسی، ۱۴۲۲ق.، ج ۲: ۸۹؛ همان، ج ۵: ۳۹۰؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱: ۷۰؛ همان، ج ۲: ۳۶۲؛ همان، ج ۱۰: ۱۹؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق.، ج ۵: ۵۰۵؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق.، ج ۲: ۱۷۶ و همان، ج ۴: ۲۰۵). میدی علاوه بر طاعت، معانی دیگری نیز برای آن برشمرده است؛ از جمله: «بلاغ، مخرج، مسلک، علت، راه هدایت، حجت، عدوان و دشمنی، ملت و گناه» (میدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۶۲۱-۶۲۲).

## ۲-۲-۷. امام علی و اهل بیت

در روایات، از اهل بیت<sup>(ع)</sup> به عنوان سبیل الله نام برده شده است؛ مثلاً از امام صادق<sup>(ع)</sup> روایت شده که حضرت در تفسیر آیه ۹۴ سوره نحل که می فرماید: ﴿وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ... بِمَا صَدَقْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾<sup>۱</sup>. فرمودند: «این آیه درباره ولایت امام علی<sup>(ع)</sup> و بیعت با اوست» (بحرانی، ۱۴۱۶ ق، ج ۳: ۴۵۰). همچنین، در تفسیر آیه ﴿وَلْتَنِفِثْنِمُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٍ مِنَ اللَّهِ وَ رَحْمَةٍ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾<sup>۲</sup> (آل عمران/۱۵۷)، از جابر بن عبدالله انصاری روایت شده که امام باقر<sup>(ع)</sup> فرمود مراد از «سبیل» در این آیه، امام علی<sup>(ع)</sup> و اولاد طیبین<sup>(ع)</sup> است و کشته شدن در ولایت او منظور است» (شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۳۹۵).

## ۲-۲-۸. جمع بندی

چنان که بیان شد، «سبیل الله» در تفاسیر با کلمات مختلفی که ذکر شد، تفسیر و تعبیر شده است، ولی با کمی دقت و توجه و مراجعه به آیات قرآن می توان فهمید که همه این تعابیر در واقع، یک چیز هستند و به یک چیز ختم می شوند و آن ایمان واقعی و قلبی به خدا و پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و جانشینان ایشان می باشد. در آیات قرآن، دین الهی فقط یکی دانسته شده که آن اسلام است: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ... فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾<sup>۳</sup> (آل عمران/۱۹) و ﴿وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ...﴾<sup>۴</sup> (آل عمران/۸۵). باید به این نکته دقت شود که اسلام واقعی صرفاً به معنای مسلمان شدن نیست، بلکه اسلام واقعی، ایمان، اعتقاد و اطاعت از خدا و پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و داشتن تقوای الهی است (الحجرات/۱۴). خداوند در قرآن کریم داشتن ایمان واقعی را منوط به داشتن تقوا و اطاعت از خدا و پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> می داند (ر.ک؛ آل عمران/۱۰۲، المائده/۵۷ و الأنفال/۱).

### ۳. معنای لغوی و اصطلاحی «صدّ»

#### ۳-۱. معنای لغوی

اهل لغت برای کلمه «صدّ» دو معنی ذکر کرده‌اند: ۱- روی برگرداندن و اعراض کردن. ۲- منع کردن و بازداشتن (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۷: ۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.، ج ۳: ۲۴۵ و طریحی، ۱۴۱۵ ق.، ج ۳: ۸۳). قرشی تعابیر اهل لغت را درباره کلمه «صدّ» بررسی کرده‌است: «به عقیده راغب، صدّ و صدود گاهی به معنای اعراض و انصراف و گاهی نیز به معنای منع و برگرداندن است. به نظر مجمع، صحاح، قاموس و اقرب، صدود لازم و به معنای اعراض، ولی صدّ هم لازم و هم متعدی است» (قرشی، ۱۳۶۴، ج ۴: ۱۱۱).

«سَدَّ (انسداد و مسدود شدن): بسته شد و سدّ به معنای حایل و حاجز میان دو چیز است. تفاوت صدّ با سدّ این است که سدّ محسوس و صدّ نامحسوس می‌باشد» (بیضاوی، ۱۴۱۸ ق.، ج ۲: ۸۱). همچنین، «سَدَّ يَصِدُّ سَدًّا» که مضارع آن بر وزن «يفعل» می‌آید، به معنای خندیدن از روی تعجب با ناله و فریاد است: ﴿إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ﴾ (الزخرف/ ۵۷) (ر.ک؛ فراهیدی، ۱۴۱۰ ق.، ج ۷: ۸۰؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.، ج ۳: ۲۴۵ و طریحی، ۱۴۱۵ ق.، ج ۳: ۸۳).

«تصدیه» به معنای سوت و کف زدن آمده‌است (ابن منظور، ۱۴۱۴ ق.، ج ۳: ۲۴۵). واژه «صدّ» و مشتقات آن بدون کلمه «سبیل الله» ۱۷ بار در آیات قرآن کریم به کار رفته‌است که در اغلب آن‌ها به معنای «منع کردن» و در آیه ۵ سوره منافقون به معنای «روی برگرداندن» می‌باشد.

#### ۳-۲. معنای صدّ و «صدّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» در تفاسیر (معنای اصطلاحی)

«صدّ همان عدول از چیزی می‌باشد و صدّ و اعراض یک معنا دارند، جز اینکه صدّ هم به صورت متعدی و هم لازم می‌تواند به کار رود» (طوسی، ۱۴۱۸ ق.، ج ۴: ۴۰۹).

همچنین، «صد به معنای منع است و فرق بین صدّ و منع این است که در منع، در انجام فعل دشواری و سختی و عذر به وجود آورده می‌شود، ولی در صدّ به ترک فعل امر می‌شود» (همان، ج ۵: ۳۴) و «صدّ به معنای منع و صرف می‌باشد» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۲: ۲۹۰).

در تفاسیر «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» به معنای اعراض از راه خدا و بیشتر منع و جلوگیری از راه خدا به کار رفته است (طوسی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۲۰۷ و ۵۳۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۱۹۹ و همان، ج ۴: ۴۵۲؛ کاشانی، ۱۳۶۶، ج ۱: ۴۶۷؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۲۴۹؛ همان، ج ۴: ۴۷۰ و ۶۰۱؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲: ۲۰۲؛ همان، ج ۶: ۱۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۳۹۱؛ همان، ج ۲: ۲۱۹؛ ابن عطیة اندلسی، ۱۴۲۲ق، ج ۱: ۴۸۱؛ بغوی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۲۷۶؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۴: ۱۵۴؛ همان، ج ۶: ۱۹؛ همان، ج ۷: ۲۱۰؛ ثعالبی، ۱۴۱۸ق، ج ۳: ۱۷۷؛ شاذلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۴۳۷؛ همان، ج ۳: ۲۹۲؛ زحیلی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۲۵۸؛ همان، ج ۴: ۲۰ و همان، ج ۶: ۲۶ و ۳۹).

در تعبیر اول که به معنای اعراض از راه خداست، این مسئله جنبه فردی دارد و فرد خود از راه خدا روی برمی‌گرداند، ولی در تعبیر دوم که بیشتر آیات قرآن ناظر به همین معناست و به معنی منع کردن و جلوگیری از راه خداست، موضوع جنبه اجتماعی پیدا کرده است.

### ۳-۳. مصادیق صدّ عن سبیل الله

منظور از مصادیق «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»، گفتارها، رفتارها و کردارهایی است که باعث بازداشتن مردم از راه خداست و در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد:

#### ۳-۳-۱. منصرف کردن انسان‌ها از راه خدا و کج و معوج نشان دادن آن

در طول تاریخ، همواره کسانی وجود داشته‌اند که با کارهای مختلف مردم را از راه خدا منع می‌کردند و این منع کردن آن‌ها به انواع گوناگون بوده است؛ مثلاً مشرکان در زمان پیامبر اکرم (ص) با اخراج مردم از مسجد الحرام نوعی «صدّ سبیل» می‌کردند که این



«صدّ سیل» از قتل نیز بالاتر و بدتر و نوعی فتنه محسوب می‌شد (ر.ک؛ البقره/ ۲۱۷؛ الحج/ ۲۵ و الأنفال/ ۳۵-۳۴) که خدا می‌فرماید: ﴿وَمَا لَهُمْ آلَا يَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا... وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ﴾<sup>۶</sup>. علاوه بر منع ورود مردم به مسجد، با سوت و کف زدن مانع عبادات آنان می‌شدند.

وارونه نشان دادن راه خدا برای به اشتباه انداختن دیگران است: ﴿... أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ آمَنَ تَبَغُّوهَا عِوَجًا...﴾<sup>۷</sup> (آل عمران/ ۹۹). آیات الأعراف/ ۴۵ و ۸۶، هود/ ۱۹ و ابراهیم/ ۱۳ نیز نشان می‌دهند اهل کتاب و کفار عمداً و با اطلاع از راه راست و به سبب اعتقاد نداشتن به خدا و پیامبر اکرم (ص) و معاد، مؤمنان را از راه راست بازمی‌دارند و با القای شبهات، راه مستقیم را منحرف نشان می‌دهند.

سید قطب در تفسیر آیه الأعراف/ ۴۵ چنین آورده است:

«کافران همان کسانی هستند که از راه خدا بازمی‌دارند و راه خدا را کج و منحرف می‌خواهند و استقامت راه یک صورت دارد؛ صورتی که بر طریق خدا و شرعش می‌باشد و هرچه غیر آن است، عوج و اراده به عوج می‌باشد و این اراده همراه با کفر به آخرت است. پس کسی نیست که به آخرت ایمان داشته باشد و از راه خدا بازدارد» (شاذلی، ۱۴۱۲ ق، ج ۳: ۱۲۹۲).

درباره «اعوجاج سبیل» ظالمان در تفسیر مراغی چنین آمده است:

«اعوجاج سبیل ظالمین به صورت‌های گوناگون می‌باشد:

الف) شرک آنان که اصل توحید را به صورت‌های گوناگون مخدوش می‌کنند، در عبادات و دعا با خدا شریک می‌گیرند و او را شفیع و وسیله قرار می‌دهند که خدا از آن نهی کرده است: ﴿وَمَا أَمْرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الْبَيْتَةَ﴾<sup>۸</sup>.

ب) با بدعت گذاری راه خدا را کج و معوج نشان می دهند و بدعت هایی در دین می آورند که در کتاب و سنت نیست (تأویلات جدلی در اعتقادات و زیارات، عبادات، شعائر، تحریم طیبات و حلال کردن محرّمات).

ج) با زندقه و نفاق آن را کج و معوج می نمایند.

د) احکام را کج و معوج نشان می دهند با ترک حق و اقامه عدل و قسط و مساوات بین مردم.

ه) با غلو در دین و با جعل یسر به عسر و برعکس، آنچه را که خداوند آسان کرده است، سخت نشان می دهند و برعکس، و نیز زیاد کردن بر آنچه خدا از احکام عبادات، مباحات، حلال و حرام در کتاب و سنت تشریح کرده است» (مراغی، ۱۴۰۸ق، ج ۸: ۱۵۷-۱۵۸).

### ۳-۳-۲. سوگندهای دروغین و سپر قرارداد آن‌ها مقابل خود

بازداشتن از راه خدا با سوگند دروغ و به تردید انداختن مؤمنان در ایمان آنان، یکی دیگر از مصادیق «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» است. خداوند متعال در آیه ۹۴ سوره نحل می فرماید: ﴿وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَ تَذُوقُوا السُّوءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ﴾.

علامه در تفسیر این آیه می گوید:

«مراد، اعراض و امتناع از سنت فطری است که خدا بشر را بر آن فطرت خلق کرده است و پیامبر<sup>(ص)</sup> نیز به سوی آن دعوت می کند و به اینکه همواره ملتزم به راستی، استقامت و رعایت عهد و پیمان و نیز سوگندهای خود بوده، از دغل، خدعه، خیانت، دروغ و فریب دوری گزینند و این مایه افساد در زمین بعد از اصلاح آن است و در آخر، باعث این است که شما را به چشیدن سوء و شقاوت در دنیا و عذاب عظیم در آخرت دچار می سازد» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۸۷).

این آیه در باب ولایت علی<sup>(ع)</sup> و بیعت با اوست. امام صادق<sup>(ع)</sup> فرموده است: «منظور، قسم‌ها و عهدهایی است که درباره ولایت علی<sup>(ع)</sup> در غدیر خم یاد کرده است» (طبرسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۱۶؛ همان، ۱۳۷۳، ج ۲: ۷۴۹ و قمی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۳۹۰؛ عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۲: ۲۶۹؛ حسینی استرآبادی، ۱۴۰۹، ج ۲: ۲۶۶؛ بحرانی، ۱۴۱۶، ج ۳: ۴۵۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵، ج ۳: ۸۲؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ج ۷: ۲۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶: ۱۴۹ و کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۹۲).

آیات المجادله/۱۴-۱۶ و المنافقون/ ۱-۲ نشان می‌دهد که اغلب منافقان سوگندهای خود را سپری برای بازداشتن مردم از راه خدا قرار می‌دادند و این سپر قرار دادن قَسَم به معنای قَسَم دروغ و موجب وارونه نشان دادن حقیقت و به اشتباه انداختن دیگران بود تا از مجازات آن‌ها در امان باشند. درباره این آیه (المنافقون/۲) نیز در بعضی تفاسیر و روایات از «صدّ سیل» به جلوگیری از ولایت علی<sup>(ع)</sup> تعبیر شده است (ر.ک؛ ابن شهر آشوب مازندرانی، ج ۳: ۷۲ و النباطی البیاضی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۲۹۶).

### ۳-۳-۳. تحریف، تکذیب و کتمان آیات الهی

گروهی با تکذیب آیات الهی و تحریف آن‌ها دست به «صدّ عن سبیل اللّٰه» می‌زدند. در قرآن بیشتر به اهل کتاب و تلاش‌های آن‌ها برای تکذیب پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و صفات او در کتاب آنان اشاره شده است؛ مثلاً در آیه ۹۹ سوره آل عمران می‌فرماید: اهل کتاب مانع راه خدا می‌شدند، در صورتی که خود از آن آگاهی داشتید: ﴿وَأَنْتُمْ شُهَدَاءٌ﴾. شیخ طوسی در تفسیر این آیه بیان می‌کند: «صدّ آن‌ها از سبیل الله به این صورت بود که پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و صفات او را که در کتاب آن‌ها ذکر شده بود، تکذیب می‌کردند» (طوسی، ۱۴۱۸، ج ۲: ۵۳۹). برخی از مفسران در تفسیر آیه النساء/ ۱۶۰ که می‌فرماید: ﴿فَبِظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ لَهُمْ وَبِصَدِّهِمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا﴾<sup>۱</sup> گفته‌اند که «صدّ سیل» آن‌ها به این وجه بود که تحریف احکام تورات کردند و وصف پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> را که در تورات بود، تغییر دادند تا مردم به پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> که

همان سبیل الله است، ایمان نیاورند (ر.ک؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۵۸۷ و طبری، ۱۴۱۲ ق، ج ۶: ۱۷).

این تحریف و تکذیب آیات الهی شامل تکذیب خدا و سخن او، کتاب او، پیامبر او<sup>(ص)</sup> و درباره اهل کتاب، کافران و همه است، علامه در المیزان در تفسیر آیه ۱۶۷ سوره نساء چنین بیان می کند:

«به جای "صَدَّوا عن کتاب الله" فرموده است: ﴿صَدَّوْا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ﴾ با اینکه گفتار در نزول کتاب از ناحیه خدا بود و این خود کوتاه گویی لطیفی است، گویا فرموده است: کسانی که کفر ورزیدند و از پیشرفت این کتاب و این وحیی که کتاب متضمن آن است، جلوگیری می کنند، به راه خدا کفر ورزیده اند و از آن جلوگیری کرده اند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۳۲).

طبق آیه ۹ سوره توبه که فرموده است: ﴿اَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾<sup>۱۱</sup>، فروختن آیات خدا به بهایی کم به این معناست که برای آن‌ها ارزشی قائل نشدند و به آن‌ها عمل نکردند و با این کارشان، مردم را از راه خدا بازداشتند:

«کافران از دین خدا روی گرداندند و مردم را به بهره ناچیزی که از دنیا نصیب آن‌ها شده است، از راه حق بازمی دارند. منظور از "فاء" آن است که این فروختن آیات خدا، آن‌ها را وادار کرده تا مردم را از پذیرش اسلام بازدارند» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۳۰).

### ۳-۳-۴. زینت اعمال زشت در نظر انسان‌ها

از دیگر مصادیق «صَدَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»، تزئین و زیبا نشان دادن اعمال زشت در نظر انسان‌هاست که آنان را از راه خدا بازمی دارد و فکر می کنند که در راه خدایند. این کار اغلب از سوی شیطان صورت می گیرد. در آیه الرعد/۳۳ چنین آمده است: ﴿أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَى كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ... وَ صَدَّوْا عَنِ السَّبِيلِ وَ مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا

لَهُ مِنْ هَادٍ<sup>۱۲</sup>. در این آیه، مکر کافران در نظر آنان زیبا جلوه کرده است و از راه راست بازمانده اند. در باب قوم سبأ نیز آن پرنده ای که حضرت سلیمان به سوی ایشان اعزام کرده بود (هدهد)، چنین گفته است: ﴿وَجَدْتَهَا وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ﴾<sup>۱۳</sup> (النمل/۲۴). درباره قوم عاد و ثمود که به پیامبرشان ایمان نیاوردند نیز چنین بوده است: ﴿وَ عَاداً وَ ثَمُودَ وَ قَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِنْ مَسَاكِينِهِمْ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَ كَانُوا مُسْتَبْصِرِينَ﴾<sup>۱۴</sup> (العنكبوت/۳۸).

کلمه «مُسْتَبْصِرِينَ» نشان می دهد که آنان به راه راست آشنایی داشتند، ولی باز هم شیطان با تزئین اعمال زشت، آن ها از راه راست بازداشت. همچنین، در آیه ۳۷ سوره غافر<sup>۱۵</sup> به مخالفت فرعون با موسی و جدال و انکار آیات الهی از سوی او سخن به میان آمده است.

### ۳-۳-۵. اشاعه خرافات و لهویات و تمسخر آیات

دیگر کارهایی که برای بازداشتن مردم از راه خدا انجام گرفته، رواج خرافات، لهو و لعب و نیز تمسخر و استهزای آیات قرآن و پیامبران بوده است: ﴿وَ مِنْ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُهِينٌ﴾<sup>۱۶</sup> (لقمان/۶).

«مقتضای سیاق این است که مراد از "سبیل الله" در آیه قرآن و معارف حق از اعتقادات و دستور العمل و خصوصاً داستان انبیا و اُمم گذشته بوده باشد، چون لهو الحدیث و خرافات ساخته فکر انسان هاست که با داستان های حق معارض بوده است و بنیان سایر معارف حق و صحیح را در انظار مردم سُست می کند. مؤید این معنا جمله بعد است: ﴿وَ يَتَّخِذَهَا هُزُوًا﴾؛ یعنی حدیث را مسخره می کند، چون نام خرافات نیز حدیث است و جمله ﴿بَغَيْرِ عِلْمٍ﴾ متعلق به «یضِلَّ» است و وصف ضلالت گمراهان است، نه ضلال گمراه کنندگان، هر چند

گمراه کنندگان نیز علم ندارند» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۶: ۳۱۳-۳۱۴. همچنین، ر.ک؛ الفرقان/۴۱-۴۲)،<sup>۱۷</sup>

### ۳-۳-۶. انفاق و صرف هزینه برای «صدّ عن سبیل الله»

کفار و منافقان به جای اینکه در راه خدا انفاق کنند، برای بازداشتن از راه خدا پول خرج می کردند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾<sup>۱۸</sup> (الأنفال/۳۶).

همان گونه که در آیه ذکر شده است، کفار و منافقان هیچ نتیجه‌ای جز حسرت و شکست نخواهند دید. این افراد علاوه بر اینکه خودشان انفاق فی سبیل الله نمی کنند، دیگران را نیز از این کار باز می دارند و به جمع و ذخیره اموال و حرام خواری می پردازند: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن كَثِيرًا مِّنَ الْأَخْبَارِ وَالرَّهْبَانِ لَيَأْكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يُنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾<sup>۱۹</sup> (التوبة/۳۴).

آیه المائده/ ۶۲ نیز بیان می کند که منافقان از راه راست منحرف هستند و بسیاری از آن‌ها در گناه، ستمکاری و خوردن حرام شتاب می کنند: ﴿لَوْ لَا يَنْهَهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَ الْأَخْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْاْتْمُ وَ أَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾<sup>۲۰</sup> و آیه یونس/ ۸۸ نیز فرورفتن در زر و زیورها و انبوه ساختن آن‌ها را عامل گمراهی و گمراه کردن مردم از راه خدا می داند: ﴿وَ قَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ آتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَ مَلَأَهُ زِينَةً وَ أَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوهُ عَنِ سَبِيلِكَ... فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ﴾<sup>۲۱</sup>. در این آیه، لام در «لِيُضِلُّوهُ»، «لام» عاقبت و نتیجه است؛ یعنی سرانجام کار آنان چنین است که مردم را از راه تو گمراه کنند و «لام» غرض و علت نیست (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۱: ۳۴۶).

### ۴-۳. ویژگی بازدارندگان از راه خدا

در این بخش، به ویژگی‌ها و صفات بازدارندگان از راه خدا می‌پردازیم؛ یعنی اینکه چه ویژگی‌ها و صفاتی دارند که باعث می‌شود دیگران را از راه خدا بازدارند.

#### ۴-۳-۱. ظلم

این ویژگی‌ها و گناهان با عنوان کلی ظلم تقسیم‌بندی شده‌اند؛ زیرا هر گناهی در واقع، نوعی ظلم است یا ظلم به خود یا به دیگران و یا به خدا. همه انحرافات و مفاسد در مفهوم «ظلم و ستم» جمع است و ظالم مفهوم گسترده‌ای دارد که تمام گناهکاران، به‌ویژه گمراهان گمراه‌کننده را در بر می‌گیرد. در آیات قرآن نیز آنان که صدّ عن سبیل الله می‌کنند، ظالم دانسته شده‌اند: ﴿وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ... أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ \* الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾<sup>۲۲</sup> (الأعراف/۴۴-۴۵) و ﴿وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا... لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ \* الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾<sup>۲۳</sup> (هود/۱۸-۱۹).

ظلم به شرک، کفر، نفاق، فسق و فساد تقسیم شده که البته ممکن است گناهی هم مصداق شرک و هم مصداق فساد باشد. فسق یا خود شرک هم می‌تواند نوعی فساد و فسق باشد. با توجه به آیات قرآن کریم، سعی شده‌است که یک تقسیم‌بندی نزدیک به این آیات ارائه شود.

#### ۴-۳-۱-۱. شرک

شرک، یعنی شریک قائل شدن برای خداوند متعال که گناهی بزرگ و نوعی ظلم دانسته شده‌است: ﴿وَإِذْ... يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾<sup>۲۴</sup> (لقمان/۱۳). شرک ورزیدن به خداوند باعث گمراه شدن و گمراه کردن از راه خدا می‌باشد: ﴿وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ... وَجَعَلَ لِلَّهِ أَنْدَادًا لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِهِ قُلٌ تَمَتَّعُوا بِكُفْرِكَ

قَلِيلًا إِنَّكَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ ﴿۲۵﴾ (الزمر/۸). آیات ابراهیم/۳۰، النساء/۵۱، الأنعام/۱۱۶-۱۱۷، التوبه/ ۹ و ۳۴؛ الفرقان/ ۱۷؛ العنکبوت/ ۳۸؛ لقمان/ ۱۵؛ غافر/ ۳۷-۳۸ و الزخرف/ ۳۷ نیز درباره شرک نازل شده است.

### ۳-۴-۱-۲. کفر

کافر شدن به آیات الهی نیز نوعی ظلم به شمار می‌رود: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا يَبِيعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ﴾ ﴿۲۶﴾ (البقره/۲۵۴). کافران نیز از جمله کسانی هستند که از راه خدا به انواع مختلف جلوگیری می‌کنند. آیات قرآن به ویژگی‌های آن‌ها اشاره کرده است که عبارتند از:

#### الف) ترجیح دنیا بر آخرت (دنیاطلبی)

از ویژگی‌های کافران این است که با مشغول شدن به دنیا و تعلقات آن از آخرت غافل می‌شوند و آن را فراموش می‌کنند و به سبب دنیاطلبی، دیگران را از راه خدا بازمی‌دارند: ﴿... وَبَلِّغْ لِلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ \* الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ﴾ ﴿۲۷﴾ (ابراهیم/۲-۳؛ و نیز ر.ک؛ الأنعام/۷۰). مسئله حب دنیا و مانع شدن آن از راه خدا بسیار مهم است و روایات فراوانی از ائمه در ذم دنیا و دنیاپرستی وارد شده است: «وَأَنْزِعْ مِنْ قَلْبِي حُبَّ دُنْيَا دَنِيَّةٍ تَنْهَى عَمَّا عِنْدَكَ وَتَصُدُّ عَنِ ابْتِغَاءِ الْوَسِيلَةِ إِلَيْكَ» (انصاریان، ۱۳۸۷: دعای ۴۷).

#### ب) کفران نعمت

کفر و ناسپاسی نعمت‌های الهی و ادا نکردن شکر آن‌ها نیز از صفات کافران است: ﴿وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ﴾ ﴿۲۸﴾ (ابراهیم/۷).  
تبدیل نعمت و درست استفاده نکردن از آن، نوعی کفران نعمت به شمار می‌رود: ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَأَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ \* جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وَبِئْسَ الْقَرَارُ



\* وَجَعَلُوا لِلَّهِ اٰنْدَادًا لِّيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيْلِهِ قُلْ تَمَتَّعُوْا فَاِنَّ مَصِيْرَكُمْ اِلَى النَّارِ ﴿۲۹﴾ (ابراهیم/ ۲۸-۳۰).

### ج) فریب و تزویر

برخی افراد با وجود آگاهی از راه صحیح با فریبکاری، مردم را از راه خدا بازمی داشتند. این روش بیشتر از سوی اهل کتاب اعمال می شد. آنان به کتاب آسمانی خود آگاهی داشتند، اما با تحریف آن مردم را از حقیقت بازمی داشتند: ﴿قُلْ يٰٓاَهْلَ الْكِتٰبِ لِمَ تَصُدُّوْنَ عَنِ سَبِيْلِ اللّٰهِ مِنْ ءَمٰنٍ تَبْغُوْنَهَا عِوَجًا وَّ اَنْتُمْ شٰهِدٰءٌ وَّ مَا اللّٰهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُوْنَ﴾<sup>۳۰</sup> (آل عمران / ۹۹).

### ۳-۱-۴-۳. نفاق

از دیگر ویژگی ها و صفات بازدارندگان از راه خدا نفاق و دورویی آنها بوده است: ﴿اِذَا جَآءَكَ الْمُنٰفِقُوْنَ قَالُوْا نَشْهَدُ اِنَّكَ لَرَسُوْلُ اللّٰهِ وَّاللّٰهُ يَغْلِبُ اِنَّكَ لَرَسُوْلُهُ وَّاللّٰهُ يَشْهَدُ اِنَّ الْمُنٰفِقِيْنَ لَكَٰذِبُوْنَ \* اِتَّخِذُوْا اٰيْمٰنَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوْا عَنْ سَبِيْلِ اللّٰهِ اِنَّهُمْ سَآءٌ مَّا كَانُوْا يٰعْمَلُوْنَ﴾<sup>۳۱</sup> (المنافقون / ۱-۲. همچنین، ر.ک؛ النساء / ۱۳۷-۱۳۸).

### □ ویژگی های منافقان

### ○ کذب و دروغ

کذب و دروغ از صفات منافقان است؛ زیرا آنان به دروغ اظهار ایمان می کنند (ر.ک؛ المنافقون / ۱).

### ○ سوگند دروغ

همان گونه که قبلاً ذکر شد، سوگند دروغ نیز از ویژگی‌های منافقان است که از آن برای بازداشتن مردم از راه خدا و سپر قرار دادن آن در مقابل خود استفاده می‌کنند (ر.ک؛ المنافقون/۲ و المجادله/۱۶ و النحل/۹۴).

### ○ مکر و ریا

مکر، حيله و نیرنگ از دیگر ویژگی‌هایی است که منافقان با آن‌ها مردم را فریب داده، از راه راست بازمی‌دارند (النساء/۱۴۲-۱۴۳).

### ○ سرکشی

عصیان و سرکشی در برابر فرمان خدا و پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> از ویژگی‌های اهل نفاق است که از آن با واژه «بَطْر» یاد شده است: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ﴾<sup>۳۲</sup> (الأنفال/۴۷). منافقان همواره از دستورهای پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup>، به‌ویژه در امر جهاد سرپیچی، و دیگران را نیز وادار به این امر می‌کردند (التوبه/۸۱ و آل عمران/۱۶۷).

### ○ استهزاء و تمسخر به آیات الهی

چنان که بیان شد، منافقان همیشه دست به تمسخر خدا، قرآن، پیامبر اکرم<sup>(ص)</sup> و مؤمنان می‌زدند و اعمال عبادی آنان را نیز مسخره می‌کردند (التوبه/۷۹).

### ○ امر به منکر و نهی از معروف

منافقان همواره مؤمنان را از کارهای نیک چون انفاق، جهاد و غیره بازمی‌دارند و آنان را دعوت به بدی‌ها می‌کنند (التوبه/۶۷).

## ۳-۱-۴. فسق

فسق به معنای خروج از بندگی خدا و نوعی ظلم محسوب می‌شود: ﴿قَبِدَلَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ﴾<sup>۳۳</sup> (البقره/۵۹). از ویژگی‌های بازدارندگان از راه خدا، «فسق» نیز می‌تواند باشد؛ زیرا آن‌ها از بندگی خدا خارج شده، راه خدا را گم می‌کنند و دیگران را نیز از این راه باز می‌دارند: ﴿كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يُقْبَلُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا ذِمَّةَ يُرْضَوْنَكُم بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَى قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ فَاسِقُونَ \* اِشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾<sup>۳۴</sup> (التوبه/۹۸).

## ۳-۲-۴. پیروی از شیاطین و طاغوت‌ها

کسانی که مانع راه خدا می‌شوند، به جای پیروی از خدا و پیامبر<sup>(ص)</sup>، از شیاطین و طاغوت پیروی می‌کنند. در واقع، «طاغوت به معنای تعدی و تجاوز از حد است و به هر چیزی که موجب تجاوز از حد شود، از جمله بُت‌ها گفته می‌شود. به همین سبب، شیطان، بُت، حاکم جبار و هر معبودی غیر خدا و هر مسیری که به غیر حق منتهی شود، طاغوت است» (ر.ک؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱: ۵۲۰).

## ۳-۲-۱. شیاطین جن

پیروی از شیطان، نوعی «فسق» است؛ زیرا که خود شیطان فاسق است و از دستور خداوند متعال سربچی کرد: ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا﴾<sup>۳۵</sup> (الکهف/۵۰). راه‌های فریب و مکر شیطان بسیار است که ما به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم.

\* شیطان همواره سعی می‌کند اعمال زشت انسان‌ها را در نظرشان زیبا جلوه دهد و به این طریق، آنان را از راه خدا بازدارد (ر.ک؛ العنکبوت/ ۳۸ و الأنفال/ ۴۷-۴۸).

\* شیطان با دنیا، اموال و اولاد، انسان‌ها را فریب داده و به آرزوهای دور و دراز و باطل می‌کشاند (ر.ک؛ آل عمران / ۱۴ و فاطر / ۵).

\* شیطان انسان‌ها را از یاد خدا غافل می‌سازد (ر.ک؛ الزخرف / ۳۶-۳۷).

علامه طباطبائی در این زمینه چنین می‌گوید:

«شیطان‌ها این افراد را که از یاد خدا خود را به کوری می‌زنند، از ذکر منصرف می‌کنند و آن وقت است که می‌پندارند به سوی حق راه یافته‌اند و این نشانه آن است که از ولایت خدا درآمده‌اند و زیر ولایت شیطان قرار گرفته‌اند؛ برای اینکه انسان بر حسب فطرت خود متمایل به حق است و اگر سخن حقی به او عرضه شود و او به پیروی هوای نفس از پذیرش آن سر باز زند و این روش را ادامه دهد، خدا مُهر بر دلش می‌زند و قرینی برایش مقدر می‌کند و آن وقت با هر حقی مواجه شود، آن را بر باطل منطبق می‌کند و فکر نمی‌کند که راه باطل را می‌رود» (طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۸: ۱۵۱).

### ۳-۲-۲-۲. شیاطین انسی

پیروی از شیاطین انسی نیز می‌تواند انسان را از راه خدا بازدارد. شیاطین انسی همان مستکبران، کافران و کسانی هستند که می‌خواهند مردم با پیروی از آنان از راه راست و درست بازمانند و منحرف شوند؛ کسانی که از آنان پیروی می‌کنند، روز قیامت به این نکته پی می‌برند و آرزو می‌کنند که کاش به جای این افراد از پیامبر اکرم (ص) اطاعت می‌کردند: ﴿يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يَا لَيْتَنَا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ \* وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا﴾<sup>۳۶</sup> (الأحزاب / ۶۶-۶۷).

### ۳-۵. پیامدها و کیفر «صِدْقٌ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ»

بازداشتن از راه خدا آثار و پیامدهایی دارد که این آثار و عواقب را می‌توان به دو دسته دنیوی و آخروی تقسیم‌بندی کرد. پیامدهای دنیوی مکافات اعمال این افراد است

که در همین دنیا گریبان بازدارندگان از راه خدا را می‌گیرند و پیامدهای اُخروی عبارتند از: انواع عذاب‌های الهی و سزا و کیفر نهایی این افراد است.

### ۳-۵-۱. پیامدهای دنیوی

#### ۳-۵-۱-۱. گمراهی و مُهر خوردن بر دل‌ها

خداوند متعال در آیات قرآن کریم تصریح فرموده‌است: کسانی که خود و دیگران را از راه خدا بازمی‌دارند، سخت در گمراهی فرومی‌روند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا﴾<sup>۳۷</sup> (النساء/۱۶۷). خداوند در آیات دیگری نیز این ضلال بعید را ذکر کرده‌است (ر.ک؛ ابراهیم/۳ و النساء/۱۱۶ و ۱۳۶).

با تأمل در این آیات، می‌توان دریافت که گمراهی بعیدی که این افراد در آن افتاده‌اند، از شرک و کفر آن‌ها ناشی می‌شود. آن‌ها به سبب گمراهی خود و برای حفظ منافعتشان دیگران را نیز از راه خدا بازمی‌دارند و در نتیجه، به گمراهی ایشان افزوده می‌شود، به طوری که دیگر هدایت‌ناپذیر می‌شوند و خدا نیز آن‌ها را هدایت نمی‌کند؛ چنان‌که در ادامه آیاتی که ذکر کردیم نیز آمده‌است: ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ آمَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ أَدَّوْا كُفْرًا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيُهْدِيَهُمْ سَبِيلًا﴾<sup>۳۸</sup> (النساء/۱۳۷). ممکن است این سؤال پیش آید که چگونه خداوند بعضی را دیگر هدایت نمی‌کند، در صورتی که خودش فرمود که راضی به کفر بندگانش نیست: ﴿إِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنْكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ الْكُفْرَ وَإِنْ تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَيَّ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ﴾<sup>۳۹</sup> (الزمر/۷).

چنان‌که قبلاً گفتیم، این‌ها با کفر، ظلم، ستم، فسق خود باعث این کار شده‌اند. خداوند در آیات قرآن فرموده که از فاسق راضی نیست (التوبه/۹۶) و کافران (البقره/۲۶۴)، ظالمان (التوبه/۱۹) و فاسقان (التوبه/۲۴) را هدایت نمی‌کند، چون آن‌ها طوری عمل کرده‌اند که خداوند بر قلب آن‌ها مُهر زده‌است و استعداد پذیرش هدایت در

وجود آن‌ها از میان رفته است و مصداق این آیه شده‌اند: ﴿سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوهَا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِنْ يَرَوْا سَبِيلَ الْعِزِّ يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ﴾<sup>۴۰</sup> (الأعراف/۱۴۶).

پس به سبب کفر و پیمان شکنی، خداوند بر دل، دیده و گوش آن‌ها مهر زد و آن‌ها را دچار قساوت قلب نمود، به طوری که دیگر هیچ گونه هدایت و موعظه‌ای در آن‌ها اثر ندارد (البقره/۷ و المائده/۱۲) و این خواست خود (آنان) بوده است؛ زیرا خداوند راه راست را نشان داده است و آنان خود نخواسته‌اند: ﴿إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا﴾<sup>۴۱</sup> (الإنسان/۳) و ﴿وَعَلَى اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ أَجْمَعِينَ﴾<sup>۴۲</sup> (النحل/۹).

منظور از «هدایت» در این آیات، همان هدایت تشریحی است که خداوند برای رساندن بشر به سوی کمال مطلوب، پیامبران را ارسال فرمود و کتب آسمانی را همراه آنان فرستاد تا با تعلیمات و قوانین روشن برای او ارائه طریق نماید. این هدایت همان نشان دادن راه است، نه رساندن به مقصود و مطلوب.

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه (الإنسان/۳) این نکته را یادآور می‌شود که برخلاف تصور بعضی مفسران که «شاکراً» و «کفوراً» را حال برای کلمه «سبیل» دانسته‌اند، این دو کلمه حال هستند از ضمیر در «هدینا» و معنای آیه را این گونه توضیح داده است که مردم در قبال هدایتی که ما کردیم، دو قسم هستند: یا شاکر و یا کفور هستند و در هر صورت، هدایت شده‌اند. سبیل نیز سنت و طریقه‌ای است که بر هر انسانی واجب است که در زندگی دنیا بپیماید و به سعادت دنیا و آخرت برسد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۱۹۵-۱۹۷).

در پنج آیه، خداوند متعال بیان کرده است که هر کس را خدا گمراه کند، دیگر هدایت‌گری نخواهد داشت (الرعد/۳۳؛ الشوری/۴۴ و ۴۶ و النساء/۸۸ و ۱۴۳). در چهار

آیه (الأنعام/ ۱۱۷؛ النحل/ ۱۲۵؛ النجم/ ۳۰ و القلم/ ۷) نیز خداوند این مطلب را بیان می‌کند که او به کسانی که از راهش گمراه شده‌اند، آگاه است.

نکته شایسته توجه آن است که در همه این آیات، از کلمه «رب» استفاده شده است و می‌تواند بیانگر این باشد که این علم با ربوبیت خدا ارتباط دارد و گمراهی یا هدایت انسان‌ها نشأت گرفته از ربوبیت خداست و خداوند در مسیر تربیت انسان‌ها علم دارد که چه کسی تربیت می‌شود و راه را پیدا می‌کند و چه کسی راه را گم می‌کند. نکته دیگر تکرار کلمه «مهدتین» و آوردن واژه «هدایت» بر وزن «افتعال» است که نشان‌دهنده این است که پیدا کردن راه خدا از طریق هدایت خداست؛ یعنی هدایت شده‌اند که راه را پیدا کرده‌اند.

آمدن «إِنَّ» و ضمیر فصل «هو» در تمام آیات برای تأکید می‌باشد که خدا قطعاً به این مطلب آگاهی دارد و این تأکید و اعلام آگاهی و کلمه «رَبِّكَ» می‌تواند نوعی اطمینان خاطر و آرامش برای پیامبر اکرم (ص) و هر کسی باشد که در مقام ارشاد و تبلیغ است.

### ۳-۵-۱-۲. اضلال و حبط اعمال

از دیگر پیامدها و کیفیتهای دنیوی اعمال بازدارندگان از راه خدا این است که اعمال نیک آنان حبط و نابود می‌شود و تلاش آنان نافرجام می‌ماند. در آیات قرآن نیز به این مسئله اشاره شده است: ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَالَهُمْ﴾<sup>۴۳</sup> (محمد/ ۱). این پیامد می‌تواند هم دنیوی و هم اخروی باشد. پیامد دنیوی آن نافرجام ماندن تلاش‌های آنان در راستای «صدّ عن سبیل الله» است که با معنای «اضلال عمل» تناسب بیشتری دارد و کیفر اخروی آن‌ها حبط و از بین رفتن کارهای نیک آنان است: ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَ... وَ أَوْلَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۴۴</sup> (البقره/ ۲۱۷).

### ۳-۱-۵-۳. سود نبخشیدن اموال و اولاد

از دیگر عذاب هایی که در این دنیا برای بازدارندگان از راه خدا وجود دارد، این است که اموال و اولاد آنان در این دنیا نیز مایه عذاب و شر برای ایشان است و به حال آنان سودی نخواهند داشت: ﴿وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ﴾<sup>۴۵</sup> (التوبه / ۸۵ و التوبه / ۵۵)<sup>۴۶</sup>.

### ۳-۱-۵-۳. فساد جامعه انسانی

بازدارندگان راه خدا با اعمال خود جامعه انسانی را به فساد می کشانند. آنان با کارهای زشت خویش مانع اصلاح جامعه می شوند:

﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَا لَهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ﴾<sup>۴۷</sup> (النحل / ۸۸ و نیز ر.ک؛ الأعراف / ۸۵-۸۶).

روشن است که کم فروشی، حرام خواری، احتکار اموال و انفاق نکردن آنها که در آیات سوره اعراف به آنها اشاره شده، باعث فساد اقتصادی در جامعه و اختلال در روابط و معاملات می شود.

علامه طباطبائی صدور را اعراض و امتناع از سنت فطری دانسته که خداوند بشر را بر آن فطرت خلق کرده است و دعوت نبوی نیز به سوی آن است (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۸۷). کسانی که راه خدا را به روی بندگان او می بندند و با کارهای زشت خود مانع آنان می شوند، در دنیا بالأخره روزی دچار ذلت و خواری خواهند شد. از جمله آیاتی که به این مطلب اشاره دارد، آیات زیر است: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُبِينٍ \* ثَانِي عَطْفِهِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَ نُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ﴾<sup>۴۸</sup> (الحج / ۹-۸).



### ۳-۵-۱. حسرت و شکست

از دیگر عواقب اعمال «صد سبیل کنندگان» این است که کارهایشان نه تنها مانع راه خدا نمی‌شود، بلکه برای آنان حسرت و شکست را به ارمغان می‌آورد؛ مانند کسانی که اموال خود را برای بستن راه خدا انفاق می‌کنند، فقط این اموال را از دست می‌دهند و شکست می‌خورند: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ﴾<sup>۴۹</sup> (الأنفال/۳۶).

### ۳-۵-۲. پیامدهای اخروی

کسانی که راه خدا را به روی بندگانش بسته‌اند و با کارهای گوناگون مانع آنان می‌شوند، در آخرت نیز با عذاب‌های گوناگون الهی مواجهه می‌شوند.

### ۳-۵-۲. عذاب عظیم و چندبرابر

خداوند در آیات مختلفی از قرآن کریم بیان می‌کند، افرادی که از هر طریقی و با هر صفتی مانع راه خدا می‌شوند، در آخرت به عذاب جهنم دچار خواهند شد. عذاب جهنم برای کافران و منافقان در آیات فراوانی ذکر شده است (ر.ک؛ آل عمران/۵۵، ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۶۹؛ النساء/۱۰، ۶۴ و ۸۶؛ المائده/۴۴؛ الأعراف/۳۶؛ الأنفال/۱۶، ۱۸ و ۸۴؛ هود/۵، ۱۸ و ۲۵؛ الرعد/۱۶ و ۳۰؛ ابراهیم/۹۷؛ الإسراء/۱۰۲؛ الکهف/۹؛ الحج/۱۷ و ۳۴؛ الفرقان/۶۴ و الأحزاب/۳۶).

خداوند صفات مختلفی را برای این عذاب‌ها ذکر کرده است؛ مثلاً: «عذاب الیم» (آل عمران/۲۱ و ۱۳۷؛ النساء/۱۶۱؛ المائده/۳۶ و ۹۴؛ الأعراف/۷۳؛ التوبه/۳، ۳۴، ۶۱ و ۷۹؛ یونس/۶۳ و ۸۸؛ النحل/۱۱۷؛ الإسراء/۱۰؛ الحج/۲۵؛ العنکبوت/۲۳ و الشوری/۴۲). «عذاب عظیم» (البقره/۷ و ۱۱۴؛ المائده/۴۱ و ۳۳؛ التوبه/۱۰۱ و النحل/۹۴)، «عذاب شدید» (ابراهیم/۲ و ص/۲۶)، «عذاب مقیم» (التوبه/۶۸؛ هود/۳۹ و الشوری/۴۵)،

«عذاب کبیر» (الفرقان / ۱۹). در آیه النحل / ۸۸ نیز چنین بیان شده است: ﴿الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ﴾<sup>۵۰</sup> (النحل / ۸۸). این عذاب مضاعف و دو برابر، یکی برای کفر آنان و دیگری برای فساد آنان در زمین و «صدّ سبیل» آنان است. «فوق العذاب»، یعنی همان عذاب عمومی که در ازای کفر و ظلم آن‌ها بود و با بقیه در این عذاب شریک هستند. «بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ»، تعلیل زیادتی عذاب است. افسادی که در این تعلیل است، همان جلوگیری از راه خداست، چون تنها این صفت است که باعث شده است عذاب این گروه بر دیگران بچربد (ر.ک؛ طباطبائی، ۱۳۷۴، ج ۱۲: ۴۶۴).

خداوند در آیات بسیار دیگری کافران، منافقان، ظالمان، اهل کتاب پیرو کافران گمراه و تکذیب کنندگان آیات الهی را جاودانه در عذاب دوزخ دانسته است (البقره / ۱۶۲ و ۲۵۷؛ آل عمران / ۱۱۶؛ الإسراء / ۹۸-۹۷؛ فصلت / ۲۸؛ بینه / ۶؛ التوبه / ۶۸؛ المجادله / ۱۷؛ آل عمران / ۸۸؛ المائده / ۸۰ و البقره / ۳۹).

### ۳-۵-۲-۱. عدم آمرزش خدا

خداوند کسانی را که از راه او بازداشته‌اند، از آمرزش و مغفرت خود محروم می‌سازد: ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا ضَلَالًا بَعِيدًا \* إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيُغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا﴾<sup>۵۱</sup> (النساء / ۱۶۷-۱۶۸) و ﴿إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾<sup>۵۲</sup> (محمد / ۳۴).

### ۳-۵-۲-۲. خواری و ذلت

همان گونه که بازدارندگان راه خدا در دنیا دچار ذلت و خواری می‌شوند، در آخرت نیز با خواری محشور می‌شوند و عذابی خوارکننده خواهند داشت: ﴿وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَتَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

مُهین ﴿۵۳﴾ (لقمان / ۶). این افراد چون راه خدا را به مسخره می گیرند، خدا نیز آن‌ها را به عذاب خوارکننده دچار می سازد (المجادله / ۱۶).

### ۳-۲-۵-۳. نداشتن یار و یاور

از دیگر عذاب‌های بازدارندگان و گمراهان از راه خدا این است که در آخرت هیچ یار و یآوری نخواهند داشت: ﴿...أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي عَذَابٍ مُّقِيمٍ \* وَ مَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءٍ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ﴾ ﴿۵۴﴾ (الشوری / ۴۵-۴۶ و ر. ک؛ النساء / ۱۴۵).

### ۳-۲-۵-۴. لعنت خدا و فرشتگان

کسانی که از راه خدا دور افتاده‌اند و سعی می کنند دیگران را نیز از آن بازدارند، از رحمت و نعمت خداوند محروم شده، به لعن و نفرین او دچار می شوند: ﴿و نَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ... الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا وَ هُمْ بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ﴾ ﴿۵۵﴾ (الأعراف / ۴۴-۴۵). گمراهان از راه راست نیز مورد لعن خدا قرار گرفته‌اند: ﴿قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرٍّ مِنْ ذَلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَنْ لَعَنَهُ اللَّهُ وَ غَضِبَ عَلَيْهِ... أُولَئِكَ شَرٌّ مَكَانًا وَ أَضَلُّ عَنْ سَوَاءِ السَّبِيلِ﴾ ﴿۵۶﴾ (المائدة / ۶۰). آیات المائدة / ۱۲-۱۳ و الرعد / ۲۵ هم درباره پیمان شکنان است که لعن شده‌اند. خداوند در آیات زیادی کافران را لعنت کرده است؛ از جمله آیات: البقره / ۸۸-۸۹؛ النساء / ۴۶؛ المائدة / ۷۸ و الأحزاب / ۶۴. لعن منافقین: الأعراف / ۶۸ و الفتح / ۶، لعن ظالمین: الأعراف / ۴۴؛ آل عمران / ۸۷ و هود / ۱۸، لعن کتمان کنندگان آیات الهی: البقره / ۱۵۹: ﴿يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَ يَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ﴾. لعنت خدا و ملائکه و همه مردم برای کافرانی که در حال کفر بمیرند: البقره / ۱۶۱.

## نتیجه گیری

«سبیل» در قرآن کریم به معنای مطلق «راه» و منظور از «سبیل الله»، «راه خدا»، یعنی دین مقدس اسلام می باشد که کامل ترین و برترین دین است. در روایات نیز از اهل بیت<sup>(ع)</sup> به عنوان مصداق اکمل و اتم «سبیل الله» نام برده شده است. «صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ» به معنای «بازداشتن افراد از پیوستن به دین مقدس اسلام» است و ایجاد هر گونه مانع بر سر راه دین اسلام را شامل می شود؛ چه به صورت وارونه نشان دادن اسلام واقعی و ایجاد انحراف در آن، سرپوش نهادن بر آیات الهی و تحریف آن‌ها برای گمراهی مردم، تبلیغات سوء علیه اسلام، ایجاد اختلاف بین مسلمانان، اشتغال آن‌ها به امور دنیوی و غفلت از یاد خدا و نیز صرف هزینه‌های هنگفت برای جلوگیری از گسترش اسلام. این ویژگی (صَدُّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ)، گفتار، رفتار و کردار همه انسان‌ها را در بر می گیرد. بازداشتن از راه خدا آثار و پیامدهای دنیوی و اخروی دارد. از جمله پیامدهای دنیوی، گمراهی و مهر خوردن بر دل‌ها، اضلال و حبط اعمال، سود نبخشیدن اموال و اولاد، فساد جامعه انسانی، حسرت و شکست است و از جمله پیامدهای اخروی آن می توان به عذاب عظیم و چند برابر، عدم آمرزش خدا، خواری و ذلت، نداشتن یار و یاور، لعنت خدا و فرشتگان اشاره نمود.

## پی نوشت‌ها

۱- «او و قومش را چنین یافتیم که به جای خدا برای خورشید سجده می کنند و شیطان اعمال آنان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] بازداشته بود. در نتیجه، [به حق] راه نیافته بودند» (النمل/۲۴).

۲- «و زنها را سوگندهای خود را دستاویز تقلب میان خود قرار دهید تا گامی بعد از استواریش بلغزد و شما به [سزای] آنکه [مردم را] از راه خدا بازداشته‌اید، دچار شکنجه شوید و برای شما عذابی بزرگ باشد» (النحل/۹۴).

- ۳- «و اگر در راه خدا کشته شوید یا بمیرید، قطعاً آمرزش خدا و رحمت او از [همه] آنچه [آنان] جمع می‌کنند، بهتر است» (آل عمران / ۱۵۷).
- ۴- «در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، با یکدیگر به اختلاف نپرداختند، مگر پس از آنکه علم برای آنان [حاصل] آمد، آن هم به سابقه حسدی که میان آنان وجود داشت، و هر کس به آیات خدا کفر ورزد، پس [بداند] که خدا زودشمار است» (آل عمران / ۱۹).
- ۵- «و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است» (آل عمران / ۸۵).
- ۶- «چرا خدا [در آخرت] آنان را عذاب نکند، با اینکه آنان [مردم را] از [زیارت] مسجد الحرام بازمی‌دارند، در حالی که ایشان سرپرست آن نباشند؛ چراکه سرپرست آن جز پرهیزگاران نیستند، ولی بیشترشان نمی‌دانند \* و نمازشان در خانه [ی خدا] جز سوت کشیدن و کف زدن نبود. پس به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید، این عذاب را بچشید!» (الأنفال / ۳۴-۳۵).
- ۷- «بگو: ای اهل کتاب! چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا بازمی‌دارید و آن [راه] را کج می‌شمارید، با آنکه خود [به راستی آن] گواهید! و خدا از آنچه می‌کنید، غافل نیست» (آل عمران / ۹۹).
- ۸- «و فرمان نیافته بودند جز اینکه خدا را بپرستند و در حالی که به توحید گراییده‌اند، دین [خود] را برای او خالص گردانند و نماز برپا دارند و زکات بدهند و دین [ثابت و] پایدار همین است» (البینه / ۵).
- ۹- «و زنهار، سوگندهای خود را دستاویز تقلب میان خود قرار مدهید تا گامی بعد از استواریش بلغزد و شما به [سزای] آنکه [مردم را] از راه خدا بازداشته‌اید، دچار شکنجه شوید و برای شما عذابی بزرگ باشد» (النحل / ۹۴).

۱۰- «پس به سزای ستمی که از یهودیان سر زد و به سبب آنکه [مردم را] بسیار از راه خدا بازداشتند، چیزهای پاکیزه‌ای را که بر آنان حلال شده بود، حرام گردانیدیم» (النساء/ ۱۶۰).

۱۱- «آیات خدا را به بهای ناچیزی فروختند و [مردم را] از راه او بازداشتند. به راستی آنان چه بداعمالی انجام می‌دادند!» (التوبه/ ۹).

۱۲- «آیا کسی که بر هر شخصی بدانچه کرده‌است، مراقب است [مانند کسی است که از همه جا بی‌خبر است]؟ و برای خدا شریکانی قرار دادند. بگو: نامشان را ببرید! آیا او را به آنچه در زمین است و او نمی‌داند، خبر می‌دهید، یا سخنی سطحی [و میان‌تهی] می‌گویید؟ [چنین نیست]، بلکه برای کسانی که کافر شده‌اند، نیرنگشان آراسته شده‌است و از راه [حق] بازداشته شده‌اند و هر که را خدا بی‌راه گذارد، رهبری نخواهد داشت» (الرعد/ ۳۳).

۱۳- «او و قومش را چنین یافتیم که به جای خدا برای خورشید سجده می‌کنند و شیطان اعمال آنان را برایشان آراسته‌است و آنان را از راه [راست] بازداشته بود. در نتیجه، [به حق] راه نیافته بودند» (النمل/ ۲۴).

۱۴- «و عاد و ثمود را [نیز هلاک نمودیم]. قطعاً [فرجام آنان] از سرای ایشان بر شما آشکار شده است و شیطان کارهایشان را در نظرشان بیاراست و از راه بازشان داشت، با آنکه [در کار دنیا] بینا بودند!» (العنکبوت/ ۳۸).

۱۵- ﴿أَسْبَابَ السَّمَاوَاتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ كَذِبًا وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ السَّبِيلِ وَ مَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ﴾ (الغافر/ ۳۷).

۱۶- «و برخی از مردم کسانی هستند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی‌[هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند و راه خدا را به ریشخند گیرند، برای آنان عذاب خوارکننده خواهد بود» (لقمان/ ۶).

۱۷- ﴿وَ إِذْ رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلاَّ هُزُوًا اٰلِهٰذَا الَّذِي بَعَثَ اللّٰهُ رَسُوْلًا \* اِن كَادَ لِيُضِلَّنَا عَن اٰلِهٰتِنَا لَوْ لآ اَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَ سَوْفَ يَعْلَمُوْنَ حِيْنَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَن اَضَلُّ سَبِيْلًا﴾  
(الفرقان / ۴۱-۴۲).

۱۸- «بی گمان کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند. پس به زودی [همه] آن را خرج می کنند و آنگاه حسرتی بر آنان خواهد شد. سپس مغلوب می شوند و کسانی که کفر ورزیدند، به سوی دوزخ گرد آورده خواهند شد» (الأنفال / ۳۶).

۱۹- «ای کسانی که ایمان آورده اید، بسیاری از دانشمندان یهود و راهبان، اموال مردم را به ناروا می خورند و [آنان را] از راه خدا باز می دارند، و کسانی که زر و سیم را گنجینه می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده!» (التوبه / ۳۴).

۲۰- «و بسیاری از آنان را می بینی که در گناه و تعدی و حرام خواری خود شتاب می کنند. واقعاً چه اعمال بدی انجام می دادند!» (المائده / ۶۲).

۲۱- «و موسی گفت: پروردگارا! تو به فرعون و اشرافش در زندگی دنیا زیور و اموال داده ای، تا [خلق را] از راه تو گمراه کنند. پروردگارا! اموالشان را نابود کن و آنان را دل سخت گردان که ایمان نیاورند تا عذاب دردناک را ببینند» (یونس / ۸۸).

۲۲- «و بهشتیان دوزخیان را آواز می دهند که: ما آنچه را پروردگاران ما به ما وعده داده بود، درست یافتیم. آیا شما [نیز] آنچه را پروردگارتان وعده کرده بود، راست و درست یافتید؟ می گویند: آری. پس آوازدهنده ای میان آنان آواز درمی دهد که: لعنت خدا بر ستمکاران باد. هم آنان که [مردم را] از راه خدا باز می دارند و آن را کج می خواهند و آن ها آخرت را منکرند» (الأعراف / ۴۴-۴۵).

۲۳- «و چه کسی ستمکارتر از آن کس است که بر خدا دروغ بندد؟ آنان بر پروردگارشان دروغ عرضه می کنند و گواهان خواهند گفت: اینان بودند که بر

پروردگارشان دروغ بستند. هان! لعنت خدا بر ستمگران باد. همانان که [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و آن را کج می‌شمارند و خود آخرت را باور ندارند» (هود/ ۱۸-۱۹).

۲۴- «و [یاد کن] هنگامی را که لقمان به پسر خویش - در حالی که او را اندرز می‌داد - گفت: ای پسرک من! به خدا شرک می‌اور که به راستی شرک ستمی بزرگ است» (لقمان/ ۱۳).

۲۵- «و چون به انسان آسیبی رسد، پروردگارش را - در حالی که به سوی او بازگشت کننده است - می‌خواند. سپس چون او را از جانب خود نعمتی عطا کند، آن [مصیبتی] را که در رفع آن پیشتر به درگاه او دعا می‌کرد، فراموش می‌نماید و برای خدا همتایانی قرار می‌دهد تا [خود و دیگران را] از راه او گمراه گرداند. بگو: به کفرت اندکی برخوردار شو که تو از اهل آتشی» (الزمر/ ۸).

۲۶- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید، پیش از آنکه روزی فرارسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی، و کافران خود ستمکارانند» (البقره/ ۲۵۴).

۲۷- «خدایی که آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، از آن اوست و وای بر کافران از عذابی سخت؛ همانان که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح می‌دهند و مانع راه خدا می‌شوند و آن را کج می‌شمارند. آنان که در گمراهی دور و درازی هستند» (ابراهیم/ ۲-۳).

۲۸- «و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهیم کرد و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود» (ابراهیم/ ۷).

۲۹- «آیا به کسانی که [شکر] نعمت خدا را به کفر تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت در آوردند، ننگریستی؟ [در آن سرای هلاکت که] جهنم است [و] در آن وارد می‌شوند، و چه بدقرار گاهی است، و برای خدا ماندهایی قرار دادند تا [مردم را] از



راه او گمراه کنند. بگو: برخوردار شوید که قطعاً بازگشت شما به سوی آتش است» (ابراهیم / ۲۸-۳۰).

۳۰- «بگو: ای اهل کتاب، چرا کسی را که ایمان آورده است، از راه خدا باز می‌دارید و آن [راه] را کج می‌شمارید، با آنکه خود [به راستی آن] گواهیده‌اید؟ و خدا از آنچه می‌کنید، غافل نیست» (آل عمران / ۹۹).

۳۱- «چون منافقان نزد تو آیند، گویند: گواهی می‌دهیم که تو واقعاً پیامبر خدایی، و خدا [هم] می‌داند که تو واقعاً پیامبر او هستی، و خدا گواهی می‌دهد که مردم دوچهره سخت دروغگو هستند. سوگندهای خود را [چون] سپری بر خود گرفته‌اند و [مردم را] از راه خدا باز داشته‌اند. راستی که آنان چه بد می‌کنند!» (المنافقون / ۱-۲).

۳۲- «و مانند کسانی مباشید که از خانه‌هایشان با حالت سرمستی و به صرف نمایش به مردم خارج شدند و [مردم را] از راه خدا باز می‌داشتند، و خدا به آنچه می‌کنند، احاطه دارد» (الأنفال / ۴۷).

۳۳- «اما کسانی که ستم کرده بودند، [آن سخن را] به سخن دیگری - غیر از آنچه به ایشان گفته شده بود - تبدیل کردند، و ما [نیز] بر آنان که ستم کردند، به سزای اینکه نافرمانی پیشه کرده بودند، عذابی از آسمان فرودستادیم» (البقره / ۵۹).

۳۴- «چگونه [برای آنان عهدی است] با اینکه اگر بر شما دست یابند، درباره شما نه خویشاوندی را مراعات می‌کنند و نه تعهدی را، شما را با زبانشان راضی می‌کنند، حال آنکه دل‌هایشان امتناع می‌ورزد و بیشترشان منحرف هستند. آیات خدا را به بهای ناچیزی فروختند و [مردم را] از راه او بازداشتند. به راستی آنان چه بد اعمالی انجام می‌دادند» (التوبه / ۹۸).

۳۵- «و [یاد کن] هنگامی را که به فرشتگان گفتیم: آدم را سجده کنید. پس [همه] - جز ابلیس - سجده کردند که از [گروه] جن بود و از فرمان پروردگارش سر پیچید. آیا [با]

این حال،] او و نسلش را به جای من دوستان خود می‌گیرید، حال آنکه آن‌ها دشمن شمایند؟ و چه بدجانشینانی برای ستمگرانند» (الک‌هف / ۵۰).

۳۶- «روزی که چهره‌هایشان را در آتش زیر و رو می‌کنند، می‌گویند: ای کاش ما خدا را فرمان می‌بردیم و پیامبر را اطاعت می‌کردیم؛ و می‌گویند: پروردگارا! ما رؤسا و بزرگتران خویش را اطاعت کردیم و ما را از راه به در کردند» (الأحزاب / ۶۶-۶۷).

۳۷- «بی‌تردید کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند، به گمراهی دور و درازی افتاده‌اند» (النساء / ۱۶۷).

۳۸- «کسانی که ایمان آوردند، سپس کافر شدند و باز ایمان آوردند، سپس کافر شدند، آنگاه به کفر خود افزودند، قطعاً خدا آنان را نخواهد بخشید و راهی به ایشان نخواهد نمود» (النساء / ۱۳۷).

۳۹- «اگر کفر ورزید، خدا از شما سخت بی‌نیاز است و برای بندگانش کفران را خوش نمی‌دارد، و اگر سپاس دارید، آن را برای شما می‌پسندد، و هیچ بردارنده‌ای بار [گناه] دیگری را بر نمی‌دارد. آنگاه باز گشت شما به سوی پروردگارتان است و شما را به آنچه می‌کردید، خیر خواهد داد که او به راز دل‌ها داناست» (الزمر / ۷).

۴۰- «به‌زودی کسانی را که در زمین به ناحق تکبر می‌ورزند، از آیاتم رویگردان سازم، [به طوری که] اگر هر نشانه‌ای را [از قدرت من] بنگرند، بدان ایمان نیاورند و اگر راه صواب را ببینند، آن را برنگزینند، و اگر راه گمراهی را ببینند، آن را راه خود قرار دهند. این بدان سبب است که آنان آیات ما را دروغ انگاشتند و غفلت ورزیدند» (الأعراف / ۱۴۶).

۴۱- «ما راه را بدو نمودیم، یا سپاسگزار خواهد بود و یا ناسپاسگزار» (الإنسان / ۳).

۴۲- «و نمودن راه راست بر عهده‌ خداست و برخی از آن [راه]‌ها کثر است، و اگر [خدا] می‌خواست، مسلماً همه‌ شما را هدایت می‌کرد» (النحل / ۹).

۴۳- «کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند، [خدا] اعمال آنان را تباه خواهد کرد» (محمد / ۱).

۴۴- «از تو درباره کارزار در ماه حرام می پرسند. بگو: کارزار در آن، گناهی بزرگ و بازداشتن از راه خدا و کفر ورزیدن به او و [بازداشتن از] مسجدالحرام [و حج]، و بیرون راندن اهل آن از آنجا، نزد خدا [گناهی] بزرگتر، و فتنه [ی شرک] از کشتار بزرگتر است؛ و آنان پیوسته با شما می جنگند تا - اگر بتوانند - شما را از دین تان برگردانند، و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند، آنان کردارهایشان در دنیا و آخرت تباه می شود، و ایشان اهل آتش هستند و در آن ماندگار خواهند بود» (البقره / ۲۱۷).

۴۵- «و اموال و فرزندان آنان تو را به شگفت نیندازد. جز این نیست که خدا می خواهد ایشان را در دنیا به وسیله آن عذاب کند و جانشان در حال کفر بیرون رود» (التوبه / ۸۵).

۴۶- ﴿فَلَا تَجْنِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ تَزْهَقَ أَنفُسُهُمْ وَ هُمْ كَافِرُونَ﴾ (التوبه / ۵۵).

۴۷- «کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا بازداشتند، به [سزای] آنکه فساد می کردند، عذابی بر عذابشان می افزایم» (النحل / ۸۸).

۴۸- «و از [میان] مردم کسی است که درباره خدا بدون هیچ دانش و بی هیچ رهنمود و کتاب روشنی به مجادله می پردازد، [آن هم] از سر نخوت، تا [مردم را] از راه خدا گمراه کند. در این دنیا، برای او رسوایی است و در رستاخیز، او را عذاب آتش سوزان می چشانید» (الحج / ۹۸).

۴۹- «بی گمان کسانی که کفر ورزیدند، اموال خود را خرج می کنند تا [مردم را] از راه خدا بازدارند. پس به زودی [همه] آن را خرج می کنند و آنگاه حسرتی بر آنان خواهد گشت، سپس مغلوب می شوند، و کسانی که کفر ورزیدند، به سوی دوزخ گرد آورده خواهند شد» (الأنفال / ۳۶).

۵۰- «کسانی که کفر ورزیدند و از راه خدا بازداشتند، به [سزای] آنکه فساد می‌کردند، عذابی بر عذابشان می‌افزاییم» (النحل / ۸۸).

۵۱- «بی‌تردید کسانی که کفر ورزیدند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند، به گمراهی دور و درازی افتاده‌اند. کسانی که کفر ورزیدند و ستم کردند، خدا بر آن نیست که آنان را پیامرزد و به راهی هدایت کند» (النساء / ۱۶۷-۱۶۸).

۵۲- «آنان که کفر ورزیدند و مانع راه خدا شدند، سپس در حال کفر مردند، هرگز خدا از آنان در نخواهد گذشت» (محمد / ۳۴).

۵۳- «و برخی از مردم کسانی هستند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی‌هیچ [دانشی از راه خدا گمراه کنند و [راه خدا] را به ریشخند گیرند، برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود» (لقمان / ۶).

۵۴- «آنان را می‌بینی [که چون] بر [آتش] عرضه می‌شوند، از [شدت] زبونی فروتن شده‌اند، زیرچشمی می‌نگرند، و کسانی که گرویده‌اند، می‌گویند: در حقیقت، زیانکاران کسانی هستند که روز قیامت خودشان و کسانشان را دچار زیان کرده‌اند. آری، ستمکاران در عذابی پایدارند. و جز خدا برای آنان دوستانی [دیگر] نیست که آن‌ها را یاری کنند و هر که را خدا بی‌راه گذارد، هیچ راهی برای او نخواهد بود» (الشوری / ۴۵-۴۶).

۵۵- «همانان که [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند و آن را کج می‌خواهند و آن‌ها آخرت را منکرند، و میان آن دو [گروه] حائلی است و بر اعراف مردانی هستند که هر یک [از آن دو دسته] را از سیمای آنان می‌شناسند، و بهشتیان را - که هنوز وارد آن نشده‌اند و [لی بدن] امید دارند - آواز می‌دهند که: سلام بر شما» (الأعراف / ۴۴-۴۵).

۵۶- «بگو: آیا شما را به بدتر از [صاحبان] این کیفر در پیشگاه خدا خبر دهم؟! هم آنان که خدا لعنت‌شان کرده است و بر آنان خشم گرفته است و از آنان بوزینگان و

خوکان پدید آورده است، و آنان که طاغوت را پرستش کرده‌اند. اینانند که از نظر منزلت، بدتر، و از راه راست گمراه‌ترند» (المائده / ۶۰).

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم.

- ابن منظور، ابوالفضل. (۱۴۱۴ق.). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- اندلسی، عبدالحق بن غالب. (۱۴۲۲ق.). *المحور الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز*. بیروت: دار الکتب العلمیة.
- بحرانی، سید هاشم. (۱۴۱۶ق.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران: بنیاد بعث.
- بغوی، حسین بن مسعود. (۱۴۲۰ق.). *معالم التنزیل فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. (۱۴۱۸ق.). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشلی. ج ۱. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد. (۱۴۱۸ق.). *الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- حسینی استرآبادی، شریف‌الدین علی. (۱۴۰۹ق.). *تأویل الآیات الظاهرة*. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- رازی، ابوالفتوح حسین بن علی. (۱۴۰۸ق.). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داودی. ج ۱. دمشق - بیروت: دار العلم الدار الشامیة.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى. (۱۴۱۸ق.). *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*. بیروت - دمشق: دار الفكر المعاصر.

زمخشری، جارالله محمود. (۱۴۰۷ق.). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*. بیروت: دارالكتاب العربی.

شاذلی، سیدبن قطب. (۱۴۱۲ق.). *فی ظلال القرآن*. بیروت - قاهره: دار الشروق.  
 شریف لاهیجی، محمدبن علی. (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*. تهران: نشر داد.  
*صحیفه سجادیه*. (۱۳۷۸). ترجمه حسین انصاریان. تهران: انتشارات پیام آزادی.  
 طباطبائی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه.  
 طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن. (۱۳۶۰). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: انتشارات فراهانی.

\_\_\_\_\_ . (۱۳۷۷). *تفسیر جوامع الجامع*. مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.

طبری، ابوجعفر محمدبن جریر. (۱۴۱۲ق.). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالمعرفة.

طریحی، فخرالدین. (۱۴۱۵ق.). *مجمع البحرين و مطلع النیرین*. قم: مرکز الطباعة و النشر فی مؤسسه البعثة.

طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۸ق.). *التبیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه. (۱۴۱۵ق.). *تفسیر نورالثقلین*. قم: انتشارات اسماعیلیان.

عیاشی، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰ق.). *تفسیر عیاشی*. تهران: چاپخانه علمیه.

فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق.). *العین*. قم: هجرت.

قرشی، سید علی اکبر. (۱۳۶۴). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

قرطبی، محمدبن احمد. (۱۳۶۴). *الجامع لاحکام القرآن*. تهران: ناصر خسرو.

قمی مشهدی، محمدبن محمد رضا. (۱۳۶۸). *کنزالدقائق و بحر الغرائب*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.

- قمی، شیخ عباس. (۱۳۸۳). *مفاتیح الجنان*. تصحیح حجت الإسلام سیدصادق میرشفیعی. قم: چاپ قدس.
- قمی، علی بن ابراهیم. (۱۳۶۷). *تفسیر قمی*. قم: دارالکتاب.
- کاشانی، ملافتح الله. (۱۳۶۶). *تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین*. تهران: علمی.
- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۴۴). *اصول کافی*. ترجمه و شرح سیدجواد مصطفوی. تهران: دفتر نشر و فرهنگ اهل بیت.
- مازندرانی، محمد بن شهر آشوب. (۱۳۷۹ق.). *مناقب آل ابی طالب (ع)*. قم: مؤسسه انتشارات علامه.
- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳ق.). *بحار الأنوار*. بیروت: بی نا.
- محمدی ری شهری، محمد. (۱۴۲۴ق.). *میزان الحکمة*. ترجمه حمیدرضا شیخی. قم: دارالحديث.
- مراغی، احمد بن مصطفی. (۱۴۰۸ق.). *تفسیر المراغی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- مبیدی، رشیدالدین. (۱۳۷۱). *کشف الأسرار و عدة الأبرار*. تهران: امیر کبیر.
- النباطی البیاضی، زین الدین. (۱۳۸۴). *الصراط المستقیم إلی مستحقی التقدیم*. تصحیح محمدباقر بهبودی. بی جا: المكتبة المرتضوية لإحياء آثار الجعفرية.